

مستندسازی یکی از ژانرهای پر استفاده و پر کاربرد برای روایتگری درباره سوژه‌های خاص و جذاب است. خیلی وقت‌ها آثار مستند به علت کشش و جذابیت بازنمایی عینی واقعیت و دست نزدن به حقایق، از آثار داستانی و اقتباسی هم پیشی می‌گیرند. به علاوه مهم‌ترین نکته در مستندسازی را باید سرعت عمل در بازنمایی سوژه و انعکاس روایت‌هایی دانست که هر لحظه ممکن است مدفون شوند و این یعنی مستندساز در حال تلاش برای عبور از یک بحران چندوجهی است. این توصیف‌ها، گوشه‌ای از تجربه چند سال کار رسانه‌ای و البته مصاحبه‌ای مفصل با یک چهره با سابقه و البته بانگیزه است که یک مستندساز تراز اول به خصوص در موضوعات منطقه‌ای و فراملی شناخته می‌شود. در این بخش از ویژه‌نامه شهدای سرافراز فاطمیون، گفت‌وگوی مفصلی که با محمدمهدی خالقی؛ مستندساز ۴۶ ساله مشهوری داشتیم، از نظرتان می‌گذرد. آقای خالقی تجربه ساخت ۱۰ اثر مستند و دو سریال داستانی برای شهدای فاطمیون را دارد که در کنار آن، هشت اثر دیگر هم برای رزمندگان مدافع حرم ایرانی ساخته و به همین خاطر، آموزه‌های خاصی را هم برای مخاطبان عمومی و هم برای مستندسازان و اهالی رسانه در این مصاحبه بیان کرده است.

کنکاش درباره سوژه‌های جذاب افغانستان برای شما از کجا شروع شد؟

با توجه به علاقه‌های فرهنگی که دارم، زمان زیادی را به زبان فارسی و به مجلات موضوعی مانند «سوره» اختصاص می‌دادم و با دغدغه‌های فرهنگی مانوس بودم که به مرور علاقه‌مند شدم روی افغانستان هم به طور ویژه کار کنم. سال ۲۰۰۶ میلادی بود که با چند نفر از رفقا به افغانستان رفتیم. یک سفر خودجوش با هزینه شخصی که ۱۸-۱۷ روز طول کشید. آنجا با چهره‌های فرهنگی ملاقات کردیم، از نقاط فرهنگی و تاریخی مختلف دیدن کردیم، به مؤسسات فرهنگی و رسانه‌ها مانند رادیو و تلویزیون نیز رفتیم و بازدید داشتیم. آن زمان آمریکایی‌ها تازه چهار سال بود این کشور را اشغال کرده بودند و هنوز شرایط دوره گذار بود؛ یعنی آمریکا هنوز ۱۰۰ درصد بر همه چیز مسلط نشده بود و طالب‌ها هم وارد مرحله سنگین عملیاتی علیه اشغالگران نشده بودند. نتیجه این سفر به افغانستان در آن شرایط خاص، ایجاد علاقه و انگیزه در من برای ساخت مستند شد.

یعنی ساخت نخستین مستند را چه زمانی آغاز کردید؟

حدود چهار سال پس از آن سفر. پیگیری‌های مختلفی داشتم که به نتیجه نمی‌رسید. تا اینکه رسیدیم به سال ۱۳۸۹ شمسی. آن روزها شبکه خبر میزبان یک تحلیلگر افغانستانی در یک گفت‌وگوی زنده بود که در آن برنامه نقدهایی را به جمهوری اسلامی وارد کرد. بر این اساس مدیران وقت شبکه تصمیم گرفتند کاری روی آنتن ببرند و نسبت به آن نقدها روشنگری کنند که متوجه شدند اصلاً چیزی تولید نشده است. اینجا بود که تصمیم گرفتند دنبال کسی بگردند که افغانستان رفته باشد و به شکل میدانی و عمیق آشنا باشد که به بنده برخوردند. از من طرح خواستند که مفصل نوشتم و تحویل دادم. بعد هم که خواستند تصویب کنند، برآورد قیمت آن را در حد ساخت مستندی در تهران تعیین کردند و اقتضات سفر به یک کشور دیگر را در آن ندیدند. با این حال بنده از تهیه‌کننده خواستم کار را قبول کند و آن را ساختیم



تاریخ شفاهی مستندسازی درباره شهدای فاطمیون از زبان یک کارگردان پرکار

# من هم با شما می‌آیم سوریه!